

تعهد به افشا در حقوق داوری تجاری بین‌المللی و داخلی

بهرام تقی پور*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۳)

چکیده

داور یا قاضی خصوصی باید مستقل و بی‌طرف باشد. در حقوق داوری داخلی و تجاری بین‌المللی بسیاری از کشورها، داور علاوه بر استقلال و بی‌طرفی، تعهد دیگری به نام تعهد به افشا دارد که به موجب آن، او باید هرگونه روابط یا شرایط و اوضاع و احوالی را که ماهیتاً بر قضاوتش موثر است و یا موجب شک و تردید عقلایی طرفین نسبت به استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌شود، افشا نماید. تعهد به افشا را نباید با تعهد به استقلال و بی‌طرفی اختلاط نمود. در این مقاله وضعیت تعهد به افشا در منابع داخلی و بین‌المللی مطالعه می‌شود که می‌تواند راهنمایی برای داوران در سطح داخلی و یا بین‌المللی باشد.

واژگان کلیدی

استقلال، بی‌طرفی، تعهد به افشا.

۱. مقدمه

یکی از اصول بنیادین مهم قضاوت، اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی رسیدگی‌کننده است (Cadiet, Normand et Amrani Mekki, p.161). داوری یا قضاوت خصوصی نیز از این مهم مستثنا نیست، در نتیجه داور که قاضی خصوصی است (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۳) باید مستقل و بی‌طرف باشد. اما داوری ویژگی دیگری نیز دارد که آن را از قضاوت دولتی یا ملی مجزا می‌کند و آن منشأ قراردادی بودن آن است. داور اصولاً به‌موجب قرارداد، وظیفه قضاوت را به‌عهده می‌گیرد (Motulsky 1973, p.16; Ditchev 1981, p.395). در همین راستا برای انتخاب داور معمولاً برای طرفین باید شناخت اولیه و کافی وجود داشته باشد. به عبارت بهتر، انتخاب داور یا قاضی خصوصی از سوی طرفین دعوی (داوری) مستلزم شناخت قبلی آن‌ها از وی و نیز متقابل می‌باشد. خلاصه اینکه داوری ماهیت دوگانه قضایی-قراردادی دارد (Lazarefe, 2004, p.172). پس مسئله‌ای که در چنین وضعیتی مطرح می‌شود این است که رعایت تعهد به استقلال و بی‌طرفی داور یا قاضی خصوصی چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش تعهد دیگری به نام تعهد به افشا، مطرح و بر داور تحمیل می‌شود. پیشینه تحقیق مطالعات در کشورمان نشان می‌دهد که تعهد به استقلال و بی‌طرفی داور از موضوعاتی بوده که حقوق‌دانان چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی به آن پرداخته‌اند و افزون بر اینکه در کتب داوری راجع به استقلال و بی‌طرفی مطالبی بیان شده (کریمی و پرتو، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴؛ شیروی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳)، مقالاتی نیز به استقلال و بی‌طرفی داور اختصاص یافته است که از تازه‌ترین مقالات در کشورمان می‌توان به مقاله مرتضی عادل و محمد مهدی توکلی با عنوان «استقلال و بی‌طرفی داور در داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی» منتشر شده در شماره ۶۴ مجله تحقیقات حقوقی (دوره ۷ شش، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴) و همچنین مقاله «استقلال و بی‌طرفی داور، ترادف یا تمایز؟» نوشته شقایق واحد و رضا معبودی نیشابوری در مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران اشاره کرد. اما آنچه که کمتر به آن توجه شده، مسئله تعهد به افشا است که در این مقاله مفهوم و جایگاه آن تعهد در منابع حقوق داوری تجاری بین‌المللی و داخلی و رابطه آن با تعهد استقلال و بی‌طرفی داور بررسی می‌شود. در واقع موضوع مقاله، مفهوم و قلمرو و حد و مرز تعهد به افشا است و پاسخ به این پرسش که اساساً داور چه نوع روابطی و در چه زمانی را باید افشا نماید تا نسبت به تعهد استقلال و بی‌طرفی‌اش خللی وارد نشود؟ بر این اساس، مقاله به دو بخش اصلی: مفهوم و جایگاه تعهد به افشا در منابع داوری، و قلمرو تعهد از نظر موضوعی و زمانی تقسیم می‌شود.

۲. مفهوم و جایگاه تعهد

تعهد به افشا یا اطلاع که در حقوق داوری خارجی به عناوین مختلف نام‌گذاری شده^۱، تعهدی است که به موجب آن داور متعهد می‌شود هنگام قبولی داوری و در حین رسیدگی، تمام روابط و اوضاع و احوالی را که ماهیتاً بر قضاوتش مؤثر است و یا موجب شک و تردید عقلایی طرفین نسبت به استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌شود، افشا نماید (Henry, n° Loquin, 2001, p.156). به عبارت دیگر، به موجب این تعهد داور متعهد است هرگونه روابطی را که محل استقلال و بی‌طرفی‌اش نسبت به طرفین دعوی (داوری) یا موضوع دعوی است، اعلام و بیان نماید. واضح و مسلم است که تعهد به افشا را نباید با تعهد به استقلال و بی‌طرفی اختلاط یا اشتباه کرد؛ اگرچه هر دو تعهد با هم در ارتباط هستند (Loquin, 2015, p.191) و تعهد اولی بیشتر حالت پیشگیرانه نسبت به دومی دارد (Fouchard, Gaillard et Goldman, 1996, n1054) و چه بسا تضمین‌کننده دومی است (Loquin, 2013, p.487 - 2015, p.191). اما تفاوت‌ها بیشتر در منابع، قلمرو و ضمانت اجرای آن‌ها وجود دارد. حال که مفهوم این تعهد مشخص شد، پرسش این است که جایگاه تعهد به افشا در منابع حقوق داوری تجاری بین‌المللی و داخلی چگونه است؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا به قوانین داوری داخلی و بین‌المللی، سپس به آیین‌نامه‌های داوری و رویه قضایی دولتی برخی از کشورها می‌پردازیم و در پایان نظریه دکترین را به‌طور مختصر و مقایسه‌ای مطالعه خواهیم کرد. قبلاً ذکر این نکته ضروری است اگرچه برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به داوری، تعهد به استقلال و بی‌طرفی را بیان کرده‌اند^۲، به تحقیق ذکر صریحی نسبت به تعهد به افشا نداشته، در مورد آن ساکت بوده‌اند.

۳. قوانین داوری

مطالعه تطبیقی حقوق داوری داخلی و بین‌المللی نشان‌دهنده این واقعیت است که اکثر قوانین مهم داوری داخلی یا بین‌المللی کشورها به‌صراحت تعهد به افشا را پیش‌بینی نموده‌اند. قانون نمونه آنسیترال که امروزه مبنا و منشأ قوانین داوری قسمت وسیعی از کشورهاست، در بند ۱ ماده ۱۲ به‌طور صریح این تعهد را بیان نموده است. مطابق این ماده، داور متعهد است «تمام

۱. در حقوق فرانسه این تعهد به صورت‌های متعددی نامیده شده است از قبیل:

L'obligation de révélation, l'obligation d'information, l'obligation de renseignement, l'obligation de divulgation, l'obligation de déclaration

۲. از میان کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به داوری می‌توان کنوانسیون واشنگتن مصوب ۸ مارس ۱۹۶۵ «برای حل و فصل دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های میان دولت‌ها و سایر شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت‌های دیگر» را نام برد که ماده ۱۴/۱ آن به‌صراحت تعهد استقلال و بی‌طرفی را ذکر نموده است.

disponible sur le site: «[icsid.worldbank.org/ICSID/Static Files/...fra/CRR_French-final.pdf](http://icsid.worldbank.org/ICSID/Static%20Files/...fra/CRR_French-final.pdf)».

اوضاع و احوالی که ماهیتاً موجب شک و تردید مشروعی نسبت به استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌شود را افشاء نماید». بنابراین بسیاری از کشورها که در تدوین قوانین داوریشان از قانون نمونه الهام گرفته‌اند، چنین تعهدی را پیش‌بینی نموده‌اند (Loquin, 2001, p.156). در حقوق فرانسه نیز بند ۲ ماده ۱۴۶۵ آیین دادرسی مدنی اصلاحی سال ۲۰۱۱م که بر داوری داخلی و بین‌المللی فرانسه حاکم است، در خصوص این تعهد می‌گوید: «شخصی که بعنوان داور انتخاب می‌شود قبل از قبول وظیفه داوری، باید هرگونه اوضاع و احوالی که موجب تهدید و تأثیر بر استقلال و بی‌طرفی‌اش است را افشاء نماید. همچنین داور مکلف است چنین اوضاع و احوالی را که پس از قبولی‌اش نیز حادث می‌شود بدون تأخیر افشاء نماید» (2011, 255, Loquin.p. Keutgen, اسپانیا (ماده ۱۷/۱) (Mantilla- Serrano, 2004, p.243)، ترکیه (ماده ۷)، هلند (ماده ۱۰۳۴)، الجزایر (ماده ۱۰/۶)، اتریش (ماده ۵۸۸) (Loquin, 2001, p.156) و... چنین تعهدی را کمابیش پیش‌بینی کرده‌اند.

در حقوق ایران، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ش که بر داوری داخلی حاکم است، نه تنها از تعهد به افشاء یاد نکرده است، بلکه حتی نص صریحی راجع به تعهد به استقلال و بی‌طرفی داور وجود ندارد. باوجوداین، می‌توان گفت از وحدت ملاک ماده ۴۶۹ قانون یادشده بتوان اصل استقلال و بی‌طرفی داور (امیر معزی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱) و همچنین تعهد به افشاء را استنباط نمود، زیرا هرچند صدر ماده بر قاضی تعیین‌کننده داور تکلیف نموده است که در تعیین داور مواردی را لحاظ کند، از مذاقه در بندهای همان ماده چنین برداشت می‌شود که زمانی که هریک از طرفین نسبت به موارد یادشده خصوصاً بندهای ۲ تا ۷ ماده بی‌اطلاع باشند، رضایت آن‌ها در انتخاب داور معیوب بوده، تأثیر خود را در نفوذ قرارداد طرفین با داور، مطابق قواعد عمومی قراردادها خواهد گذاشت (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۹۲ به بعد). به‌خصوص فرض بر این است که رابطه قراردادی فی‌مابین داور با طرفین داوری موجود است و نه فقط با طرف انتخاب‌کننده آن (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۷۹). بنابراین عدم اجرای تعهد به افشاء می‌تواند موجب عدم نفوذ قرارداد طرفین با داور شود و قید عبارت «مگر با تراضی طرفین» در ماده پیش‌گفته نیز مؤید و تقویت‌کننده اثبات چنین تعهدی در حقوق داوری داخلی ایران است. اما قانون داوری تجاری بین‌المللی ما مصوب ۱۳۷۶ش که از قانون نمونه آنستیرال الهام گرفته (جنیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۸؛ شیروی، ۱۳۹۱، ص ۳۶؛ Gharavi, 1999, p.35)، در ماده ۱۲ خود با عنوان موارد جرح داور، به‌صراحت تعهد به افشاء را پیش‌بینی کرده است. مطابق این ماده: «شخصی که به‌عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد استقلال و بی‌طرفی او می‌شود، افشاء نماید. داور باید از موقع

انتصاب به‌عنوان داور و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد». بنابراین در حقوق داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز تعهد به افشا پیش‌بینی شده و چنین تعهدی دارای منبع قانونی است.

اگرچه اکثر قوانین داوری در سطح جهان تعهد به افشا را پیش‌بینی کرده‌اند، باوجود این در حقوق داوری برخی از کشورها چنین تعهدی وجود ندارد؛ برای مثال، در قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶م، باوجود ذکر تعهد به بی‌طرفی در مواد ۱/۱ و ۳۳، از تعهد به افشا ذکری به‌میان نیامده و رویه قضایی نیز چنین تعهدی را مطالبه نکرده است (Veeder Qc V.V., 1997, p.3- , 2005, p.220; Epstein, 2007, 59; Steyn, 2007, p.97).

۴. رویه قضایی

مطالعه رویه قضایی دادگاه‌های دولتی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در اکثر حقوق کشورها، دادگاه‌های دولتی در مراحل مختلفی رعایت تعهد به افشا را بررسی و کنترل نموده‌اند. مراحل کنترل چنین تعهدی می‌تواند عبارت باشد از زمان بررسی جرح داور، اجرای رای داوری، مرحله بررسی دعوی ابطال رای داوری و یا در زمانی که مسئولیت مدنی یا کیفری داور به علت رعایت نکردن چنین تعهدی بررسی و قضاوت می‌شود. در حقوق فرانسه، رویه قضایی تعهد به افشا را در مراحل مختلف پیش‌گفته به‌طور مبسوط بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است و حتی تحولات عمیقی نسبت به این موضوع داشته است. دادگاه‌های فرانسه همواره رعایت چنین تعهدی از سوی داور را مطالبه نموده‌اند.^۱ به دنبال برخی آرا، بعضی از حقوق‌دانان فرانسوی، مفهوم وسیعی برای این تعهد قائل شده و حتی گفته‌اند که تعهد به افشا موجب ادغام و حل تعهد به استقلال و بی‌طرفی شده است (Clay, 2010, p.1147)، اما اکثر آرای قضایی دیگر و اغلب حقوق‌دانان چنین استنباطی را مردود اعلام نموده‌اند (Henry, 2011, p.787)؛ به‌طوری که امروزه دیوان عالی کشور فرانسه ادغام و حل تعهد به استقلال را در تعهد به افشا رد کرده است (Loquin, 2015, p.191). با توجه به اینکه موارد تعهد به افشا در قانون فرانسه ذکر نشده، تحولاتی در رویه قضایی نسبت به این موضوع به‌وجود آمده و در نتیجه آرای متفاوتی صادر شده است. در گذشته برخی از آرا موارد افشا را در همان موارد رد قاضی دولتی

1. Par ex. . CA Paris, 23 mars 1995; Rev. arb. 1996, p.446- Cass. Ire civ. 16 mars 1999; Rev. arb. 1999 p.308; CA Paris, 18 dec. 2008; Rev. arb. 2011, p.682; CA Paris, 10 mars 2011; Rev. arb. 2011; p.737; Cass. Ire civ. 18 dec. 2014, RTD.com. 2015, p.53, ob. E. Loquin.
2. CA Paris, 21 fevrier 2009; Rev. arb. 2009, 186.

یادشده در مواد ۳۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر کرده بودند، ولی امروزه چنین رویه‌ای متروک شده، دادگاه‌های فرانسه موارد افشا را نسبت به هر پرونده با توجه به فرهنگ، تجربه، وضعیت شخصی داور و طرفین داوری، ارزیابی و تجزیه و تحلیل می‌کنند. باوجوداین، دادگاه‌های فرانسه سعی می‌کنند یک ضابطه کلی را در نظر بگیرند که به موجب آن داور متعهد است هرگونه رابطه یا اوضاع و احوالی را که ماهیتاً بر قضاوتش تأثیر می‌گذارد یا موجب شک و تردید عقلایی طرفین داوری نسبت به تعهد به استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌باشد، افشا کند (Loquin, 2015, p.191). رویه قضایی فرانسه آرای متعدد داوری را که در آن‌ها داور تعهد به افشا را رعایت نکرده، باطل اعلام نموده است^۲ (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۷۵). اما مطالعه این آرا نشان می‌دهد که رعایت نکردن تعهد به افشا خودبه‌خود موجب بطلان رای داوری نخواهد شد (Loquin, 2015, p.191). همچنین دادگاه‌های دولتی فرانسه در چندین پرونده، داورانی که تعهد به افشا را رعایت نکرده و به این وسیله موجب ضرر به طرفین داوری شده‌اند، از لحاظ مدنی مسئول و حکم بر محکومیت آن‌ها به پرداخت جبران خسارت وارده صادر نموده‌اند^۳ (Fouchard, 1996, p.360). رویه قضایی فنلاند نیز عدم ایفای تعهد به افشا از سوی داور را موجب مسئولیت مدنی داور^۴ و ابطال رای داوری^۵ تلقی کرده است (Moller, 2006, p.95) در حقوق داخلی ایران نیز با توجه به نبود نص صریح قانونی، رویه قضایی نیز در حد تحقیق نویسنده، نسبت به این موضوع ساکت است. ولی می‌توان با وحدت ملاک ماده ۴۴۹ و بند ۶ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی رای داوری را در صورت رعایت نکردن تعهد به افشا قابل ابطال دانست و همچنین برابر ماده ۵۰۱ همان قانون، داور از لحاظ مدنی نیز مسئولیت دارد (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۵۷). در داوری تجاری بین‌الملل نیز به استناد مواد ۱۲ و بند «و» ماده ۳۳ ضمانت اجرا، ابطال رای داوری و مسئولیت داور طبق مقررات و قواعد عمومی قابل اعمال است (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۷۸).

1. Par ex. Cass. 2e civ. 14 novembre 1990, RTD Com., 1992.167; . CA Paris, 19 novembre 1993: Rev. arb. 1996, p.419.

2. CA Paris, 9 avril 1992, Société Annahold BV et D. Frydman c/ société L'Oréal et autres.: Rev. arb., 1996, pp.485 et s.

3. TGI Paris, 9 décembre 1992, Société Annahold BV et D. Frydman c/ société L'Oréal et B.: Rev. arb., 1996, pp.491 et s.

4. La Cour suprême finlandaise, korkeimmassa oikeudessa, 31 janvier 2005, n° 0152, l'affaire *Ruolas v. Professor X*: disponible sur le site: « <http://www.kko.fi/30075.htm> ».

5. La Cour d'appel d'Helsinki, *Helsingin hovioikeuden tuomio*, 10 October 1997 n° 3650 disponible sur le site: « <http://www.kko.fi/30075.htm> »,

۵. آیین‌نامه‌های داوری

آیین‌نامه‌های داوری مراکز داوری در سطح داخلی و بین‌المللی که در واقع ماهیت قراردادی دارند، تعهد افشا را پیش‌بینی کرده‌اند. آیین‌نامه داوری اتاق بازرگانی بین‌الملل اصلاحی سال ۲۰۱۱م که از آغاز سال ۲۰۱۲ لازم‌الاجرا است (Whitesell A.-m, 2012, p.12)، در بند ۲ و ۳ ماده ۱۱ تعهد به افشا را آورده و تعهدنامه‌ای را مبتنی بر اعلام استقلال و بی‌طرفی و بیان اوضاع و احوالی که موجب شک و تردید منطقی نسبت به استقلال و بی‌طرفی داور می‌شود، در حین قبولی و یا جریان داوری پیش‌بینی کرده است و این تعهدنامه باید به امضای داور یا داوران رسیده، تحویل دبیرخانه دیوان شود. دبیرخانه نیز مکلف است موارد اعلامی را برای طرفین ارسال و ابلاغ نماید.^۱ در عمل نیز دیوان اتاق بازرگانی رعایت این‌گونه تعهدات را مطالبه و کنترل می‌کند (Calvo, 2012, p.12; Schwartz, 1995, p.98. Whitesell, 2007, p.7; 2002). بند ۱ ماده ۷ آیین‌نامه انجمن داوری آمریکا مصوب ۲۰۰۱م نیز تعهد به افشا را پیش‌بینی نموده است.^۲ بندهای b تا c ماده ۲۲ آیین‌نامه داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نیز به تعهد به افشا اختصاص داده شده است.^۳ همچنین اگرچه در آیین‌نامه داوری «مرکز بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری»^۴ نص صریحی راجع به تعهد به افشا وجود ندارد، ولی در تعهدنامه‌ای که به موجب این آیین‌نامه داور باید قبل از قبول داوری آنرا امضا نماید، پیش‌بینی شده است که داور اعلام می‌کند که هیچ‌گونه ممنوعیتی برای عضویت در دیوان داوری ندارد و منصفانه قضاوت خواهد کرد (Gaillard, 2004, n°103).

۶. نظریه علمای حقوق

علمای حقوق داوری در سطح داخلی و بین‌المللی تعهد به افشا را یکی از تعهدات داور دانسته و آن را بررسی کرده‌اند (Loquin, 2015, p.191). از آنجایی که اکثر داوران در اغلب کشورها از وکلای دادگستری بوده‌اند، تعهد داور به افشا، یکی از دغدغه‌های کانون‌های وکلا و حقوق‌دانان را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که انجمن بین‌المللی کانون وکلا، دستورالعمل تعهد به افشا تحت عنوان تعارض منافع در داوری بین‌المللی را تدوین و اصلاح نموده است.^۵ در واقع این دستورالعمل وقایع و روابطی را که داور باید افشا نماید، در سه طبقه دسته‌بندی کرده است: دسته اول (لیست قرمز) شامل مواردی است که داور باید از قبول داوری خودداری

1. Disponible: «www.iccwbo.org».

2. www.adr.org.

3. www.wipo.int/amc/fr/arbitration/rules

4. icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc-fra/CRR_French-final.pdf».

5. International Bar Association

6. Les Directives sont disponible sur le site: «www.ibanet.org».

نماید، مگر پس از افشای اطلاعات با توافق صریح طرفین؛ دسته دوم (لیست پرتغالی) شامل مواردی است که داور باید اطلاعات را افشا نماید و اگر طرفین پس از افشای اطلاعات سکوت نمایند، داور می‌تواند داوری را بپذیرد؛ دسته سوم (لیست سبزی) شامل مواردی است که افشای آن‌ها در اختیار داور بوده، او می‌تواند اطلاعات را افشا یا کتمان کند (Lawson, 2005, p.991; Clay, 2004, p.991; Otto L.O. de WITT W/JNEN, 2007, p.115; p.22). شایان ذکر است حقوق‌دانان در سطح بین‌الملل ایرادها و معایبی را نسبت به این دستورالعمل، همانند مخاطره‌آمیز بودن آن برای داوری به دلیل اجباری نبودن آن در کشورها، مطرح نموده‌اند (پیشین). همچنین تعهد داور به افشا، موضوع مطالعات و بحث‌های سازمان‌ها و مراکز تخصصی داوری بوده است که در این خصوص می‌توان به تحقیقات انجام‌شده از سوی متخصصان داوری اتاق بازرگانی بین‌الملل^۱ اشاره کرد (Fouchard, 1996, p.325). خلاصه اینکه مطابق نظر حقوق‌دانان، رعایت تعهد به افشا از وظیفه قضایی داور نشئت گرفته، می‌تواند برای رعایت تعهد به استقلال و بی‌طرفی حالت پیشگیرانه داشته باشد؛ در واقع داور با افشای اوضاع و احوال و روابط خود با طرفین، اصل استقلال و بی‌طرفی در داوری را تضمین می‌کند (Loquin, 2013, p.487-2015, p.191). از لحاظ قراردادی نیز چنین تعهدی قابل اثبات است، زیرا طرفین داوری و داور توافق می‌کنند که داور به‌طور مستقل و بی‌طرف به قضاوت در خصوص اختلاف بین طرفین دعوی بپردازد (پیشین) و هرگونه اوضاع و احوالی را که به‌طور عقلایی خلل به این تعهد وارد می‌کند، افشا نماید. افزون بر این، از لحاظ اخلاقی نیز چنین تعهدی لازمه هر نوع قضاوت و حل و فصل اختلاف و دعوی است. بنابراین، اکثر منابع داوری در سطح داخلی و بین‌المللی کمابیش تعهد داور به افشا را به‌صراحت یا ضمنی مطالبه نموده‌اند. حال ضرورت دارد قلمرو و زمان وجود این تعهد بررسی شود.

۷. قلمرو تعهد

بحث بر این است که داور چه نوع اوضاع و احوال و یا چه نوع رابطه‌ای و با چه شخصی را باید افشا کند و چه اطلاعاتی را در چه زمانی باید برای طرفین برملا سازد؟ در اینجا ابتدا جنبه‌های تعهد و سپس مهلت رعایت تعهد مطالعه می‌شود.

۸. جنبه‌های تعهد

ابتدا لازم است گفته شود، اگرچه داور همانند قاضی ملی دارای وظیفه خطیر قضایی است، اما منبع و منشأ اختیار قضاوت وی از قاضی دولتی متفاوت بوده و ریشه آن قراردادی است. به

1. Bull.CCI SUPP 1996.28.

عبارت دیگر، داور از سوی طرفین دعوی انتخاب و به‌موجب یک قرارداد وظیفه‌ای قضایی را می‌پذیرد. بنابراین جنبه قراردادی بودن این وظیفه موجب می‌شود که یک رابطه یا شناخت قبلی بین داور و طرفین دعوی وجود داشته باشد که بر اساس این شناخت، طرفین اختلاف یا دعوی، قاضی خود را انتخاب نمایند (Boissesson, 1990, p.779)؛ بنابراین تعهد به افشا باید در چارچوب این رابطه قراردادی بررسی شود. پس بحث بر سر تعهد به افشا چند بعدی است که باید در چندین سطح ارزیابی و کنترل گردد (El-Kosheri et Youssef Karim, 2007, p.45). در این راستا ارتباط داور نه‌تنها نسبت به طرفین دعوی یا موضوع آن بلکه نسبت به سایر دست‌اندرکاران و اشخاص مرتبط با داوری همانند وکلا، شهود طرفین و قاضی پشتیبان نیز مطرح می‌شود. اما قبل از بررسی موارد پیش‌گفته، ذکر دو نکته ضروری است: اولاً رابطه داور با طرفین دعوی اصولاً قراردادی است، پس دور از انتظار است که بگوییم قبل از قبول رسالت داوری از سوی داور هیچ‌گونه ارتباط یا شناختی بین او و طرفین قرارداد داوری یا وکلای آنها نباید وجود داشته باشد. اما مهم این است که داور باید هنگام قبول داوری هرگونه اوضاع و احوال و یا روابط موجود قبلی را که منحل و تهدیدکننده استقلال و بی‌طرفی‌اش است یا موجب شک و تردید نسبت به آن می‌شود، صادقانه افشا نماید و این تعهد به افشا مستمر بوده، در حین داوری نیز باید رعایت گردد. نتیجه اینکه اگرچه ممکن است انتخاب داور به‌طور مستقل و بی‌طرفانه نباشد، اما داور در رسیدگی داوری باید مستقل و بی‌طرف باشد (Boissesson, p.779). ثانیاً داور در افشای اطلاعات و اوضاع و احوالی که منحل استقلال و بی‌طرفی‌اش است، باید تعهد به صداقت و حسن‌نیت را رعایت نماید (Taghipour, 2013, n°442). داور نباید فراموش کند که او قاضی دعوی است و همانند هر قاضی‌ای باید شرافت و صداقت را سرلوحه کار خود قرار دهد و قراردادی بودن این مقام را موجبی برای طرف‌داری از طرفی که او را انتخاب کرده است قرار ندهد.

۹. روابط با طرفین دعوی (داوری)

داور، قاضی طرفین دعوی است، پس باید نسبت به هریک از آنها مستقل و بی‌طرف باشد. به عبارت دیگر، وظیفه قضایی داور ایجاب می‌کند که او اصل استقلال و بی‌طرفی را نسبت به هریک از طرفین دعوی رعایت نماید. مطابق ضرب‌المثل قدیمی فرانسوی «قاضی نمی‌تواند هم‌زمان یک طرف دعوی باشد»^۱. بنابراین داور در هنگام پذیرش داوری و در جریان آن باید هرگونه روابط یا اوضاع و احوالی را که موجب تردید و تهدید استقلال و بی‌طرفی‌اش است،

1. «On ne saurait être à la fois juge et partie» Cité par F. EISEMANN, «Indépendance de l'arbitre», *Rev.arb.*, 1970.219.

افشا نماید. مسئله این است که داور چه روابطی را باید آشکار نماید؟ مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که حقوق داوری کشورها روش یکسانی را پیش‌بینی نکرده‌اند. پس پاسخ به این پرسش بر اساس حقوق حاکم می‌تواند متفاوت باشد. از لحاظ کلی می‌توان این نظام‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: اول، سیستم‌های حقوقی که موارد افشا و یا موارد جرح داور به‌صراحت در قوانین داوری‌شان مشخص شده است؛ همانند ماده ۸۱۵ قانون داوری داخلی و بین‌المللی ایتالیا مصوب ۲ فوریه ۲۰۰۶ م. (Giovannucci-Orlandi, 2008, p.19) و یا ماده ۴۶۹ ق.آ.د.م. ایران. دوم، نظام‌های حقوقی که قانون داوری، موارد افشا یا جرح داور را به همان موارد جرح یا افشای قاضی دولتی ارجاع داده است؛ همانند ماده ۷۷۰/۲ قانون داوری لبنان مصوب ۲۰۰۲ م (El-Hakim, 2002, p.652) یا ماده ۱۸/۱ قانون داوری سوریه مصوب ۲۰۰۸ م (Sfeir-Slim, 2002, p.666). در برخی از کشورها در سکوت قوانین داوری، رویه قضایی (همانند رویه قضایی قبلی فرانسه) همان موارد جرح قاضی را به داور تحمیل نموده است. سوم، نظام‌های حقوقی که قانون داوری موارد افشا یا جرح داور را مشخص نکرده است و رویه قضایی پرونده به پرونده چنین مواردی را کنترل می‌کند. رویه قضایی فعلی فرانسه چنین راه‌حلی را پذیرفته است (Loquin, 2015, p.192).^۱ به‌نظر می‌رسد در حقوق داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز چنین راه‌حلی لازم‌الاجراست، زیرا ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌الملل مصوب ۱۳۷۶ش یک ضابطه کلی را پذیرفته است و رویه قضایی باید مصادیق آن را مشخص کند.

شایان ذکر است تعیین موارد افشا، یکی از مباحث مهم حقوق داوری خصوصاً در سطح بین‌الملل بوده که دغدغه‌های زیادی را به‌وجود آورده است. باین‌حال، مطالعه نظام‌های حقوقی مختلف نشان می‌دهد که داور باید وجود روابط فامیلی و خانوادگی، دوستی و دشمنی، اقتصادی و مالی، و حرفه‌ای را با یکی از اصحاب دعوی افشا نماید (Clay, 2011, p.1109). همچنین معرفی تکراری داور از سوی یکی از اصحاب دعوی یا وکلای آن‌ها در پرونده‌های متعدد، از جمله مواردی است که رویه قضایی برخی از کشورها همانند فرانسه لازم دانسته‌اند که داور مکلف به افشای آن‌هاست و کتمان چنین رابطه‌ای را موجب رعایت نکردن استقلال و بی‌طرفی و عدم رعایت تعهد به افشا و در نتیجه ابطال رای داور به‌حساب آورده است.^۲

1. Cass. 1^{re} civ, 28 avril 1998, n° 96-11.637, L'affaire M.X c/M.Y. et autres : Bull. civ., I, n° 155.

2. CA Paris, 28 octobre 1999, *Fremarc c /TM Entreprises*, cité *Rev. arb.*, 2003. 1231, noté E. GAILLARD. Cass. 2^e ch. c., 6 décembre 2001, *Fremarc c/ITM*, *Rev. arb.*, 2003. 1231, spéc 1246.

۱۰. روابط داور با وکلای طرفین

داور نه تنها روابطش با طرفین داوری، بلکه باید روابطی را که با وکلای طرفین و یا روابطی که با دفاتری که وکلای طرفین عضو آن هستند، افشا نماید. او باید هرگونه ارتباط اقتصادی، مالی، حرفه‌ای، فامیلی، دوستی و دشمنی با هریک از وکلای طرفین و یا دفاتر آنها را برملا سازد (Clay, 2011, p.1109). این روابط را می‌توان در چهار حالت تصور نمود: وجود رابطه میان داور و وکیل یک طرف؛ وجود رابطه میان داور و دفتر وکالتی که وکیل یک طرف، عضو یا وابسته به آن است؛ وجود رابطه بین دفتری که داور عضو آن است با یک طرف دعوی یا وکیل طرفین دعوی؛ رابطه میان دفتری که داور عضو یا وابسته به آن است و دفتر وکالتی که وکیل یک طرف دعوی، عضو آن است (پشین). در تمام فرض‌های پیش‌گفته، داور باید روابط موجود را افشا نماید. با وجود این، در داوری بین‌المللی، انجام چنین تعهدی کار آسانی نبوده، با مشکلاتی مواجه خواهد شد، زیرا وجود عوامل مختلفی همانند گستردگی دفاتر بین‌المللی وکالت، وجود وکلای بسیاری در دفاتر وکالت همانند حضور ۲۲۰۰ وکیل در یک دفتر، گستردگی شرکت‌های بین‌المللی، وجود روابط بین داور با شرکت‌های تابعه طرف دعوی و... موجب عدم اطلاع داور نسبت به وجود برخی از روابط یادشده می‌شود (Clay, 2009, p.186) که در این صورت افشای اطلاعات میسر نخواهد بود.

مطالعه رویه قضایی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که آن‌ها نیز نسبت به افشای روابط یادشده نظر واحدی ندارند؛ برای مثال، دیوان عالی کشور سوئد افشای رابطه بین داور با دفتر وکالتی را که یکی از طرفین دعوی از آن کابینه مشورت می‌گرفته، حتی در زمانی که این دفتر وکالت هیچ دخالتی در مراحل داوری نداشته، ضروری دانسته است^۱؛ در حالی که دادگاه تجدیدنظر بروکسل (بلژیک) در مورد مشابهی افشای چنین رابطه‌ای را لازم ندانسته است^۲. در ایالات متحده آمریکا، دادگاه بخش جنوبی نیویورک، دعوی بطلان رای داوری را به علت وجود رابطه بین دفتر وکالتی که عهده‌دار دفاع یک طرف دعوی بوده با فرزند داوری که سهام‌دار همان دفتر وکالت بوده، رد کرده است^۳. دادگاه‌های فرانسه نیز در خصوص افشای این‌گونه روابط، سختگیری‌های زیادی اعمال نموده‌اند؛ به طوری که در پرونده‌های متعددی

1. Cour suprême de Suède, 19 nov. 2007, n° T 2448-06, LPA 2008, n° 199, note M. HENRY cité par CLAY Th., D.2008, Panor. 3114.

2. CA Bruxelles, 29 oct. 2007, n° 2007/7787, LPA 2008, n°60-61, note T. KAÏSSI cité par Th. CLAY, D.2008, Panor., n°44, p. 3115.

3. Cour du district sud de New York *Transportes Coal Sea de Venez. C.A c. SMT Shlpmanagement and Transp. Ltd.* 2007 U.S. Dist. LEXIS 1802 (S.D.N.Y. 2007).

آرای داوری را به دلیل عدم افشای ارتباط بین داور یا دفتر وکالتی که وی عضو آن بوده است، با وکیل یکی از طرفین دعوی، باطل اعلام کرده‌اند.^۱

۱۱. رابطه داور با شهود طرفین دعوی

مطالعه رویه قضایی برخی از کشورها نشان می‌دهد که وجود روابط خانوادگی، مالی و اقتصادی، دوستی و دشمنی بین داور و شهود یکی از طرفین دعوی خصوصاً در زمانی که شهادت از جمله دلایل اساسی و مهم دعوی است، می‌تواند مخل تعهد استقلال و بی‌طرفی داور باشد. داور باید وجود چنین رابطه‌ای را افشا نماید. برای مثال، دیوان عالی فدرال سوئیس در پرونده ATF Ligier^۲ قضاوت نمود^۳ که وجود رابطه بین داور واحد و شاهدی که در زمان واقعه موضوع دعوی برای یک طرف دعوی کار می‌کرده، در زمانی که شهادت شهود هم یکی از دلایل اصلی دعوی بوده است، می‌تواند از موارد جرح و در نتیجه مخل تعهد استقلال باشد (Tschanz, 2000, p.531).

۱۲. روابط داور با قاضی پشتیبان^۳ (ملی)

داور انتخابی دادگاه باید روابطی را که با قاضی انتخاب‌کننده دارد، افشا نماید؟ این پرسش بیشتر زمانی مطرح می‌شود که قاضی دولتی به جای طرفین دعوی داور را انتخاب می‌کند (همانند مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م. ایران یا مواد ۶ و ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران). برای مثال، در این گونه موارد آیا داور می‌تواند از بستگان سببی یا نسبی قاضی ملی انتخاب‌کننده باشد و یا همچنین داور انتخابی از جمله اشخاصی باشد که روابط مالی و اقتصادی با قاضی ملی انتخاب‌کننده داور داشته است؟ در این صورت داور متعهد به افشای چنین روابط یا اوضاع و احوالی است؟ مطالعه منابع حقوق داوری در سطح جهان نشان می‌دهد که آنها نسبت به این موضوع ساکت هستند. در این خصوص باید گفت که داور طرف دعوی شمرده نمی‌شود؛ بنابراین موضوع مشمول موارد جرح یا رد قاضی ملی انتخاب‌کننده نیز نخواهد بود (ماده ۹۱ ق.آ.د.م.). طرح مسئله خالی از فایده عملی نیست، زیرا می‌دانیم که قاضی ملی باید در مواردی جرح داور را نیز بررسی نماید. پس وجود روابط خانوادگی یا مالی و دوستی و ... می‌تواند موجبی برای طرف‌داری از شخص داور باشد. در حقوق داوری داخلی ایران برخلاف آنچه که امروزه رویه شده است و معمولاً دادگاه‌ها به سبب ارتباط با شخصی،

1. CA Paris 18 décembre 2008, *SARL Avelines Conseil c/Masuy, Infra: Rev.arb.*, 2011.682.

2. Tribunal Fédéral suisse, 16 septembre 1988, *ATF Ligier: Rev.arb.*, 1989.505, note P.-Y. TSCHANZ

3. Juge d'appui

وی را به عنوان داور انتخاب می‌کنند، موضوع مشمول ماده ۴۶۷ شده، دادگاه باید به قید قرعه به انتخاب داور بپردازد؛ گرچه متأسفانه در عمل قرعه به نام شخص معینی می‌افتد. باوجوداین، چنین انتخاب غیرقانونی‌ای می‌تواند مشمول ماده ۴۷۱ همان قانون شده، از موارد جرح به حساب آید. قانون داوری تجاری بین‌الملل ایران در ماده ۱۱ قید قرعه را بیان نکرده است.

۱۳. روابط داور با موضوع اختلاف یا دعوی

داور نباید با موضوع دعوی ارتباط داشته باشد. ممکن است دو نوع ارتباط بین داور و موضوع دعوی وجود داشته باشد که مخل اصل استقلال و بی‌طرفی‌اش باشد؛ این دو عبارت‌اند از شناخت قبلی دعوی، و نفع در دعوی که در اینجا بررسی می‌شود.

۱۴. شناخت قبلی دعوی

گاهی اوقات داور قبل از قبول داوری نسبت به موضوع دعوی به‌عنوان مشاور، کارشناس، داور و یا ... شناخت پیدا نموده، در خصوص آن اظهار نظر می‌کند. در این صورت اظهار نظر قبلی ممکن است یک پیش‌داوری به حساب آمده، در قضاوت بعدی وی مؤثر باشد. در واقع پیش‌داوری موجب شک و تردید نسبت به استقلال و بی‌طرفی داور می‌شود و وی را از آزادی فکری و قضاوت عادلانه و صحیح باز می‌دارد (Dubarry et Loquin, *RTD*, 1997, p.235). قوانین داوری برخی از کشورها به‌صراحت این موضوع را پیش‌بینی و مقرر نمودند که داور باید هرگونه اطلاعات و اوضاع و احوال مربوط به آن را برای طرفین افشا نماید. برای مثال، سطر دوم بند ۳ ماده ۸ قانون داوری سوئد مصوب ۱۹۹۹م می‌گوید، داوری که قبلاً به‌عنوان کارشناس یا تحت هر عنوان دیگری و یا در راستای کمک به یک طرف دعوی نسبت به موضوع دعوی اظهار نظر نموده باشد، باید چنین موردی را افشا نماید (Jarvin, 2000, p.46). چنین موردی نیز برابر ماده ۱۰ همان قانون از موارد جرح داور به حساب می‌آید (پیشین). رویه قضایی فرانسه نیز در سکوت قانون، چنین راه‌حلی را به داور تحمیل نمود^۱. دستورالعمل تهیه‌شده از سوی انجمن بین‌المللی وکلای نیز در لیست قرمز خود داور را مکلف نموده است که چنین موردی را افشا نماید^۲.

در حقوق ایران، قوانین داخلی و بین‌المللی داوری نسبت به این موضوع ساکت هستند. اما برابر بند د ماده ۹۱ ق.آ.د.م، این از موارد رد دادرسی یا قاضی دولتی به حساب می‌آید. باوجوداین، به‌نظر می‌رسد در حقوق داوری نیز چنین موردی از مواردی باشد که مخل تعهد به

1. CA Versailles, 14 nov. 1996, *Sté Scintelle c/ Bourrey*, *RJDA* 1997. L, n° 144, *RTD com.*, 1997.234, note J.- Cl. DUBARRY et E. LOQUIN

2. www.ibanet.org

استقلال و بی‌طرفی داور به حساب آید و او باید آن را افشا نماید. این ایده در حقوق داوری تجاری بین‌الملل ایران قوی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌الملل یک معیار کلی و اساسی را پذیرفته و مطابق آن داور مکلف است هرگونه اوضاع و احوالی را که مخل استقلال و بی‌طرفی‌اش باشد، افشا نماید. بنابراین با عنایت به اینکه استقلال و بی‌طرفی داور از جمله تعهداتی است که از وظیفه قضایی وی ناشی می‌شود و باتوجه به وحدت ملاک از ماده ۹۱ ق.آ.د.م و ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌الملل، می‌توان گفت که در حقوق داوری داخلی ایران نیز زمانی که داور قبلاً به‌نحوی نسبت به موضوع دعوی شناخت پیدا نموده و در خصوص آن اظهار نظر کرده باشد، باید هرگونه اطلاعات مربوط به آن را به آگاهی طرفین برساند و از پذیرش داوری خودداری نماید؛ مگر با موافقت طرفین.

۱۵. نفع داور در دعوی

داور، خودش یا نزدیکانش نباید طرف دعوی باشند و یا در آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نفع مادی یا معنوی داشته باشند. در چنین صورتی داور باید ضمن افشای هرگونه اطلاعات، از قبول داوری بپرهیزد؛ مگر با موافقت طرفین دعوی. در قوانین داوری برخی از کشورها همانند سوئد (ماده ۸/۱) چنین موردی از مواردی تلقی شده که داور مکلف به افشای آن بوده و ممکن است به همین دلیل مورد جرح واقع شود (Jarvin, 2000, p.96). دستورالعمل انجمن بین‌المللی وکلا نیز این را یکی از موارد مندرج در لیست قرمز آورده است که داور باید ضمن افشای آن از قبول داوری بپرهیزد؛ مگر با توافق طرفین^۱.

در حقوق داوری داخلی ایران، بند ۲ ماده ۴۶۹ ق.آ.د.م. چنین موردی را از مواردی به‌حساب آورده است که دادگاه نباید شخص ذی‌نفع را به‌عنوان داور انتخاب نماید؛ مگر با تراضی طرفین. افزون بر بند یادشده، بند ۵ همین ماده تصریح کرده است که دادگاه نمی‌تواند کسانی را که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند، به‌عنوان داور انتخاب نماید، مگر با تراضی طرفین و بند ۳ این ماده نیز با بیان یک قاعده کلی‌تر اشعار می‌دارد که دادگاه نمی‌تواند «کسانی را که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند»، به‌عنوان داور انتخاب نماید؛ مگر با تراضی طرفین. بنابراین با وحدت ملاک این ماده در حقوق داوری داخلی ایران، باید گفت داوری که یک طرف دعوی باشد و یا خودش یا نزدیکانش در دعوی نفعی داشته باشد، باید هرگونه اطلاعات و احوال و احوال در این خصوص را افشا نماید و از قبول داوری بپرهیزد؛ مگر با رضایت طرفین اختلاف. در حقوق داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز با توجه به ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌الملل که

1. www.ibanet.org

یک معیار کلی را پذیرفته است، داور باید چنین مواردی را افشا کند و از پذیرش داوری نیز بپرهیزد؛ مگر با موافقت طرفین دعوا.

۱۶. مهلت تعهد

داور به موجب قرارداد وظیفه داوری را می‌پذیرد و طرفین با توجه به شناختی که از وی دارند، نسبت به انتخاب او اقدام می‌کنند؛ بنابراین قبل از انتخاب داور معمولاً یک شناخت طرفینی نسبت به داور وجود دارد. به عبارت دیگر، اگرچه «داور بدون شک باید بی‌طرف باشد، اما انتخابش بی‌طرفانه نیست» (Boissésion, 1990, p.779). در اینجا مسئله این است که داور از چه هنگامی باید تعهد به افشا را رعایت نماید و پایان این تعهد کجاست؟ در واقع زمان شروع و پایان این تعهد کدام است؟ در پاسخ به این مسئله زمان‌های متعددی همانند قبل یا زمان اعلام قبولی داوری، زمان شروع دعوی، زمان آغاز دادرسی داوری و... مطرح می‌شود. مطالعه قوانین داوری برخی از کشورها، همانند بلژیک و ایتالیا، نشان می‌دهد که این قوانین نسبت به زمان شروع تعهد به افشا ساکت هستند؛ در حالی که قوانین داوری برخی دیگر از کشورها، نقطه آغاز این تعهد را بیان نموده‌اند. قانون داوری فرانسه مصوب ۲۰۱۱م در بند ۲ ماده ۱۴۵۶ اعلام می‌دارد که داور باید قبل از قبول داوری و در طول جریان داوری بدون هرگونه تأخیر، هرگونه اوضاع و احوالی را که محل استقلال و بی‌طرفی‌اش است، افشا نماید (Loquin, 2011, p.255-2015, p.191).

در حقوق ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ش نیز زمان و مدت این تعهد را به‌صراحت بیان نموده است. مطابق قسمت آخر بند ۲ ماده ۱۲ همین قانون، داور باید از موقع انتصاب به‌عنوان داور، و نیز در طول جریان داوری، هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در خصوص بی‌طرفی و استقلال وی می‌شود، بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد؛ مگر اینکه قبلاً طرفین را از این اوضاع و احوال مطلع نموده باشد. بنابراین مطابق این ماده، داور باید در زمان اعلام قبولی سمت داوری و در حین داوری، هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب شک و تردید نسبت به تعهد استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌شود، اعلام نماید. در حقوق داوری داخلی ایران، قانون نسبت به این مسئله ساکت است که به‌نظر می‌رسد با توجه به وحدت ملاک از قانون داوری تجاری بین‌المللی و همچنین اساس تعهد استقلال و بی‌طرفی داور که از وظایف قضایی وی نشئت می‌گیرد، چنین قاعده‌ای را می‌توان استنباط نمود.

در داوری سازمانی، برابر آیین‌نامه‌های داوری و رویه عملی، داور در هنگام قبول داوری تعهدنامه‌ای مبنی بر رعایت استقلال و بی‌طرفی که از سوی مراکز داوری تهیه شده، امضا نموده است و چنانچه اوضاع و احوالی محل این تعهد نیز وجود داشته باشد، در این تعهدنامه اعلام

می‌کند و مرکز نیز این اعلامیه و اطلاعات آن را برای طرفین ارسال می‌دارد. برای مثال، ماده ۱۱ آیین‌نامه داورى اتاق بازرگانی بین‌الملل مصوب ۲۰۱۱م، چنین تعهدنامه‌ای را پیش‌بینی کرده، درعمل نیز اتاق داورى دیوان، رعایت چنین تعهدی را کنترل می‌نماید (Whitesell, 2007, p.11).

بنابراین، زمان آغاز تعهد به افشای اطلاعات مربوط به روابط داور، زمان اعلام قبولی داور است و در طول جریان داورى نیز ادامه دارد و با پایان جریان داورى که اصولاً صدور رای قطعی داورى است، خاتمه می‌یابد. نتیجه اینکه ایجاد هرگونه روابط مالی، دوستی و خانوادگی پس از جریان داورى و صدور رای قطعی، اصولاً نمی‌تواند به تعهد استقلال و بی‌طرفی داور در داورى قبلی خللی وارد نماید (رای مورخ ۱۰ مارس ۲۰۱۱م دادگاه تجدیدنظر پاریس در دعوای *Tecso c/Neoelectra Group*، ر.ک. 1623, 2011, p.1623, *Gaz.Pal*)؛ مگر اینکه معلوم شود که وجود چنین روابطی قبل از پایان جریان داورى آغاز شده است (رای ۱۲ می ۱۹۹۳ دادگاه شهرستان پاریس در دعوی *Raoul Duval*، ر.ک. 414, 1996, *Rev.arb*).

۱۷. نتیجه

لازمه هر نوع قضاوت، استقلال و بی‌طرفی است؛ بنابراین، داور که یک قاضی خصوصی است باید مستقل و بی‌طرف باشد. برای رعایت این تعهد که یک اصل بنیادین دادرسی به‌شمار می‌آید، حقوق داورى داخلی یا بین‌المللی بسیاری از کشورها تعهد دیگری به نام تعهد به افشا را بر داور تحمیل نموده که این تعهد پیشگیری‌کننده از عدم رعایت تعهد به استقلال و بی‌طرفی بوده و به‌موجب آن داور باید هنگام قبولی و در حین رسیدگی داورى، تمام شرایط و اوضاع و احوال و روابط را با اکثر دست‌اندرکاران داورى که ماهیتاً مؤثر بر قضاوتش است و یا موجب شک و تردید عقلایی طرفین نسبت به استقلال و بی‌طرفی‌اش می‌باشد، اعلام و افشا نماید. اگرچه این دو تعهد (تعهد به افشا و تعهد به استقلال و بی‌طرفی) باهم ارتباط دارند، ولی تعهد اولی حالت پیشگیرانه نسبت به تعهد دومی داشته، درواقع تضمین‌کننده آن است و نباید آن دو را یکی دانست. اگرچه اکثر منابع حقوق داورى تجاری بین‌الملل و داخلی نیز به‌صراحت یا ضمنی تعهد به افشا را بیان نمودند، ولی در بیان موارد افشا وحدتی وجود ندارد و می‌توان آن را امر موردی تلقی کرد که در هر پرونده‌ای باید به‌طور جداگانه‌ای ارزیابی شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. امیر معزی احمد، (۱۳۸۸). داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی. چاپ دوم، نشر دادگستر.
۲. تقی‌پور، بهرام، (۱۳۹۳). «مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها». نشریه مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۸۵-۷۵.
۳. جنیدی، لعلبا، (۱۳۷۸). نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی. چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. شمس، عبدالله، (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی. جلد سوم، چاپ پانزدهم، انتشارات دراک.
۵. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی. چاپ اول، انتشارات سمت.
۶. عادل، مرتضی و توکلی، محمد مهدی، (۱۳۹۴). «استقلال و بی‌طرفی داور در داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی». مجله تحقیقات حقوق شماره ۶۴- ص ۲۱۴-۱۹۱.
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵). حقوق مدنی. قواعد عمومی قراردادها، ج اول، شرکت سهامی انتشار.
۸. کریمی، عباس و پرتو، حمید رضا، (۱۳۹۱). حقوق داوری داخلی. چاپ اول، نشر دادگستر.
۹. واحد شقایق، معبودی نیشابوری رضا، (۱۳۹۴). استقلال و بی‌طرفی داور. ترادف یا تمایز (مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین‌الملل)، مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۴۱۲-۳۹۳.

ب) خارجی

10. Boissésou M. (le de), (1990), *Le droit français de l'arbitrage*, Paris, GLN Joly.
11. Cadiet L., Normand J. et Amrani Mekki S. (2010), *Théorie général du procès*, PUF.
12. Calvo Michel, (2002), «L'arbitre, La récusation des arbitres CCI, Théorie et pratique », in *Les cahiers de l'arbitrage, sous la direction de Alexis MOURRE, Gazette du Palais*, 2002, p.115.
13. Clay Th., (2001), *L'arbitre*, thèse, Paris, Dalloz.
14. Clay Th., (2004) «Présentation des directives de l'International bar Association sur les conflits d'intérêt dans l'arbitrage international», *Rev. Arb.*, p.991.
15. Clay Th., (2010-4), «L'obligation de revelation de l'arbitre au prisme de l'indiscipline de la cour d'appel de paris », *les Cahiers de l'arbitrage*, 1147.
16. Clay. Th, (2011), «*application perlee du reglement darbitrage pour la contestation des liens non reveles entre larbitre et conseil*» ‘*caniers de larbitrage* ‘ p.1109
17. Cohen D., (2011), « Indépendance des arbitres et conflits d'intérêts». *rev. Arb* . 611
18. Ditché, A., (1981), «Le contrat d'arbitrage essai sur le contrat ayant pour objet la mission d'arbitrer », *Rev. arb*, p.395.
19. Eisemann F. (1970), « Indépendance de l'arbitre», *Rev.arb.* 219.
20. El-hakim Jacques, 2008, «La nouvelle loi sur l'arbitrage en Syrie du 25 mars 2008», *Rev.arb.* ,.659.
21. El-kosheri Ahmed S. et Youssef Karim Y., (2007) «L'indépendance des arbitres internationaux : le point de vue d'un arbitre », *Bull. CCI, supplément spécial*, p.45.
22. Epstein Louis, (2007) «Indépendance et préjugé de l'arbitre : le point de vue d'un juriste d'entreprise», *Bull. de la CCI, supplément spécial*, p.59.
23. Fouchard Ph, (1996), «Le statut de l'arbitre dans la jurisprudence française», *Rev.arb.* p.325.
24. Fouchard Ph., (1996), «Rapport final sur le statut de l'arbitre», *Bull. CCI*, p.40.
25. Fouchard Ph., Gaillard E., Goldman B. 1996, *Traité de l'arbitrage commercial international*, Paris, Litec.
26. Gaillard E., (2004) . *La jurisprudence du CIRDI*, Pedone.
27. Gharavi Hamid G., 1999, «Le nouveau droit iranien de l'arbitrage commercial international», *Rev.arb.*, p.35.
28. Giovannini T., 2002, «Arbitres et institutions d'arbitrage :Conflits d'intérêt», *RDAl/IBLJ*, n°6 , p.629 ,spéc.636.

29. Giovannucci-orlandi Ch., 2008, «La nouvelle réglementation italienne de l'arbitrage après la loi du 2 février 2006», *Rev. arb.*, p.19.
30. Henry M., 2001, *Le devoir d'indépendance de l'arbitre*, Thèse, Paris, LGDJ.
31. Henry M., (2011), «Le devoir de revelation dans les rapports entre arbitres et conseils : de la suggestion aux electrochoch», les Cahiers de l'arbitrage 2011-3,787.
32. Jarvin S. (2000), «La nouvelle loi suédoise sur l'arbitrage», *Rev. Arb.*, p.25.
33. Keutgen G., (2000) «propos sur le statut de l'arbitre» In Mélanges offerts à Pierre Van Ommeslaghe, Bruylant, p.822.
34. Lawson D., (2005) «Impartiality and Independence of Arbitrator, Commentary on the 2004 IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration», *Bull. ASA*.22.
35. Lazarefe, (2004), «L'arbitre est-il un juge», In Mélanges offerts à Claude Reymond, Litec.172;
36. Loquin E., (2011), «La réforme du droit français interne et international de l'arbitrage», *RTD Com.*, p.255.
37. Loquin E., (2013), «la dualite des fonction de l'obligation de révélation, *mélanges ph. merle*, p.487.
38. Loquin E., (2015), l'arbitrage du commerce international, joly.
39. Loquin E., (2001), *L'arbitrage du commerce international* in *Lamy Pratique des contrats internationaux*, Livre X.
40. Mantilla- Serrano F., (2004), «la nouvelle loi espagnole du 23 decembre 2003 sur l'arbitrage» «*Rev. Arb.* 225.
41. Moller G., (2006) «The finnish supreme court and the liability of arbitrators» *journal of international Arbitration* 23-1:95-100.
42. Motulsky H., (1973), *Écrits. Études et notes sur l'arbitrage*, Préface de B. Goldman et Ph. Fouchard, Paris, Dalloz.
43. Motulsky, «La nature de l'arbitrage», In *Écrits. Études et notes sur l'arbitrage*, Préface de B. GOLDMAN et Ph. FOUCHARD, Dalloz, 1973, p.16 ;
44. *Otto L.O. de WITT W/JNEN*, (2007) «les directives de l'IBA sur les conflits d'intérêts dans l'arbitrage international, trois ans après», *Bull. de la CCI, supplément spécial*, p.115.
45. Redfern A., (1996), «Le statut de l'arbitre en droit anglais» in *Bull. CCI*, P.44.
46. Schwartz E.-A., (1995), «Les droits et les devoirs des arbitres CCI», *Bull. CCI*, p.98.
47. Sfeir-slim M., (2002), «Le timide sursaut de l'égislation libanaise», *Rev. arb.* 2002.639.
48. Steyn Lord, (2007), «L'indépendance et /ou l'impartialité des arbitres en matière d'arbitrage commercial international», *Bull. de la CCI, supplément spécial*, p.97.
49. Taghipour B., (2013), *La responsabilité de l'arbitre (du juge privé) dans le droit du commerce international (droit français et droit comparé)*, thèse UB (dir. E. Loquin).
50. Tschanz P.-Y., (2000), «Indépendance des arbitres en droit suisse», *Rev. arb.* ,p.531..
51. Veeder QC V.V., (1997), «La nouvelle loi anglaise sur l'arbitrage de 1996 : la naissance d'un magnifique éléphant», *Rev. arb.*.p.3
52. Veeder QC V.V., (2005), «L'indépendance et l'impartialité de l'arbitre dans l'arbitrage international», in *Les arbitres internationaux*, Société de législation comparée, p.219
53. Whitesell A.-M., (2007), «L'indépendance dans l'arbitrage de la CCI : pratique de la Cour de la CCI en matière de nomination, confirmation, récusation et remplacement des arbitres», *Bull. de la CCI, supplément spécial*, p.7et s.
54. Whitesell A.-M. (2012) «Le règlement d'arbitrage 2012 de la CCI: efficience et transparence accrue», *Gaz. Pal.*, 7 février, p.12.